



برقله علم و هدایت...

حجت‌الاسلام غلامرضا کتیبه

سید محمد هاشم دستغیب می‌فرماید: «خاندان دستغیب خاندانی اصیل و هشتصدساله هستند و نسل این شهید بزرگوار با ۳۰ واسطه به جناب زید شهید فرزند محترم امام سجاد(ع) می‌رسد».

پدر ایشان سید محمدتقی دستغیب از علمای شناخته شده عصر خود بودند. سید محمد تقی، فرزند سید هدایت‌الله دستغیب بودند. سید هدایت‌الله علاوه بر مرجعیت در زمان خود از شاگردان میرزای شیرازی اول و در جریان قیام تنباکو از فعالان و یاوران راستین مرحوم میرزا بوده است. مرحوم سید هدایت‌الله ده پسر داشت که همه روحانی و اهل علم بودند و برای هر کدام مسجدی را معین می‌کند، از جمله برای مرحوم سید محمدتقی، پدر شهید دستغیب، مسجد باقرخان را که جنب بازار حاجی است انتخاب می‌کند. بعد از مدت کوتاهی به خاطر استقبال مردم و کمی جا، مرحوم سید محمدتقی اقامه نماز را به مسجد طبالیون که کنار مسجد عتیق است منتقل می‌کند. در پانزده سالگی شهید آیت‌الله دستغیب، علاقمندان به این بیت شریف از ایشان که در سلک روحانیت درآمده بود درخواست می‌کنند که به جای پدر در آن مسجد اقامه جماعت کند.

بعدها شهید دستغیب مسجد جامع عتیق را که در کنار آن مسجد بود و در زمان عمرولیث صفاری (قرن سوم ه.ق) ساخته شده، بازسازی می‌کنند. این مسجد به مرور زمان مخروبه شده بود و قابل استفاده نبود به طوری که خود آن شهید بزرگوار نقل می‌کردند: «وقتی کریم‌خان زند می‌خواست برای تعمیر این مسجد اقدام کند، با دیدن آن همه خرابی منصرف شد و به جای آن مسجد وکیل را ساخت.» ایشان مدت چهار سال در این مسجد به ارشاد و هدایت مردم پرداخت. مردم چون اخلاص ایشان را دیدند، روز به روز بیشتر به گرد وجود ایشان جمع شدند.

به هر حال شهید دستغیب تحصیلات حوزوی خود را در محضر پدر شروع کردند و در سن نه سالگی به دست ایشان معمم شدند و در سن ۱۱ سالگی پدر بزرگوار خود را از دست دادند و از آن زمان سرپرستی سایر برادران و خواهران خود را به عهده گرفتند فرزند ایشان سید بهاء‌الدین دستغیب نقل می‌کند: «خود شهید برای من نقل می‌کردند که وقتی

مراتب علمی شهید آیت‌الله دستغیب

حضرت آیت‌الله نجابت شیرازی، رفیق سلوکی شهید دستغیب در مورد مراتب علمی ایشان می‌فرماید: «حضرت آیت‌الله دستغیب قدس‌الله سره یکی از مفاخر عالم اسلام و مجتهد مسلم در جمیع علوم اسلامی، در صرف و نحو، معانی و بیان، حکمت، منطق، اصول و فقه، ایشان مجتهد بودند. یک وقت در محضر آقای قاضی (حضرت آیت‌الله العظمی سید علی قاضی(ره) استاد عرفان این دو بزرگوار و عارف و الامقام)، سخن از ایشان به میان آمد. حضرت حاج میرزا علی آقای قاضی رضوان‌الله علیه فرمودند: ایشان مجتهدند. شهادت به اجتهاد ایشان از طرف حاج میرزا علی آقا قاضی ۳۸ سال قبل عطا شد.» و در جای دیگری در مقام علمی ایشان می‌فرماید: «آنچه من در ذهن دارم از سن سیزده سالی، آقای دستغیب مشغول مطالعه بحار و وسائل الشیعه و کافی و وافی و من لایحضر بود. در منزل ایشان یک اتاق بسیار بزرگ بود پر از کتاب. خانه که می‌آمدند دائما مطالعه می‌کردند و حافظه بسیار خوبی هم داشتند.»

خلوصش به امام خمینی از تمام علمای شیراز بیشتر بود. ایمان به امام، نه اینکه نان و آبش داغ شود، بلکه تمام اصل علم ایشان را تابع قرار داده بود و گفت: «من اطاع‌الخمینی فقد اطاع‌الله». ایشان غنی طبع و غنی نفس و غنی دل بود. چند مرتبه فرمود دیگر از پول خوشش نمی‌آید: می‌گفت: تنها چیزی که دلم را خوش می‌کند، حرف خدا و خدمت به مومنین است.

در علوم صرف و نحو و منطق بسیار ممتاز بودند و قهرا مطالعه کردن و فهمیدن روایات برایشان خیلی آسان بود. بنده بعید نمی‌دانم اگر ایشان بیست هزار حدیث از حفظ داشتند.»

فرزند گرامی آن شهید بزرگوار، حضرت آیت‌الله

یکی از خصوصیات شهید بزرگوار حضرت آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب که الحق می‌توان ایشان را سیدالشهداء انقلاب اسلامی ایران در خطه فارسی دانست، بعد علمی و فقهاتی ایشان است که هر چند در خاطرات بزرگان راجع به آن سخن گفته شده است، لکن هنوز جای تامل و سرمشق گرفتن برای نسل جوان در آن بسیار است؛ خصوصا برای طلاب طالب حقیقت که خود را سرباز حضرت ولی عصر(عج) می‌دانند و اوقات خود را به بطالت و یا اشتغالات کاذب نمی‌گذرانند و همچنین برای دانشجویان و دانش‌آموزان علاقمند به شناخت سیره علمای ربانی و الگوگیری از آن بزرگان در زندگی.

تقوا: شرط اساسی مرجعیت

از امام صادق(ع) نقل شده است که: ان‌العلماء ورثة الانبیاء... فانظروا علمکم هذا عمن تاخذونه، ان ینا اهل‌البيت فی کل خلف عدولا ینفون عنه تحریف‌الغالین و انتحال‌المبطلین و تاویل‌الجاهلین (۱)

علماء در زمان ائمه اطهار واسطه بین امام و مردم بوده‌اند و از محضر امام(ع) فیض می‌برده‌اند و به مردم فیض می‌رسانند. در زمان غیبت نیز چنین است. علم به قرآن و سنت و تقوا و تزکیه آنها موجب شد که حضرت حجت‌بن‌الحسن‌العسکری مردم را به ایشان رجوع دهند.

و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه‌احادیثنا. آنچه مهم است و مورد نظر امام معصوم(ع) می‌باشد علم به کتاب است. هر کس به اندازه علمی که از کتاب دارد و آن هم از برکت تبعیت از قرآن و سنت نصیب شده، در نزد ایشان مقرب است و می‌تواند واسطه بین امام زمان(عج) و مردم بوده، راهنما و چراغ هدایت گردد. امیرالمؤمنین علی(ع) مردم را به سه دسته تقسیم کردند: الناس ثلاثة: عالم ربانی و متعلم علی سبیل‌النجاه و همج رعاء...

از جمله این علمای ربانی آیت‌الله شهید سید عبدالحسین دستغیب بود. این شهید بزرگوار می‌فرمود: «جامعه احتیاج به فقیه عادل دارد. اگر علم با تزکیه همراه نباشد، جهل است. تنها تزکیه است که علم را در مسیر اصلی خویش که نور است قرار می‌دهد. اگر تزکیه نباشد آن فرد عالم استدلالی خواهد بود نه عالم حقیقی».

آن زمان که ایشان اقدام به بازسازی آن کردند یک ساختمان مخروبه و تاریک بود که به همت ایشان بار دیگر رونق یافت و به همراه مدارس علمیه دیگر تحت اشراف ایشان، محل تربیت طلاب و شاگردان عالم و باتقوایی شد که تعداد قابل توجهی از این عزیزان نیز در میدان‌های نبرد حق و باطل به شهادت رسیدند. اکنون هم این مدارس به سرپرستی اخوی مکرم و فرزند گرامی ایشان پابرجاست و روز به روز از سطح علمی قابل قبول‌تری برخوردار می‌شود. لازم به ذکر است که نه تنها مدارس علمیه مذکور از آثار به جا مانده از ایشان است، بلکه مدارس علمیه ابوصالح (عج) و امام صادق (ع)، مکتب‌الاخلاص (خواهران)، بیت‌الزهرا (خواهران) را می‌توان از برکات وجودی آن شهید بزرگوار ذکر کرد، زیرا این دو بزرگوار هم قسمت عمده توفیقات خود را مرهون تربیت حضرت آیت‌الله شهید دستغیب، البته در کنار اساتید عرفان خود حضرت آیت‌الله‌العظمی انصاری و حضرت آیت‌الله نجابت می‌دانند.

مراتب تقوا و مخالفت با نفس شهید آیت‌الله دستغیب

از دیگر خصوصیات لازم برای مرجعیت، مخالفت با هوای نفس و نیز تقوای الهی است که به اعلی مرتبه در وجود شریف این شهید بزرگوار متحقق بوده است. حضرت آیت‌الله سید علی محمد دستغیب (حفظه‌الله تعالی) می‌فرمایند:

«ایشان در کتاب ارزشمند توحید که حاصل مباحثی است که اواخر عمر پر برکت خویش برای طلاب درس می‌دادند فرموده است: علم نور است، مراد نور قلب است نه صرف استدلال که مکرر عرض شد علم به مصطلحات حتی در علم توحید اگر دل خیردار نشود، آن نور نیست. حتی علم فقه که استفاده شده از کلمات اهل بیت (ع) و احکام حضرت قائم‌الانبیاء (ص) است و به فرموده سید بحر العلوم: فان علم الفقه فی العلوم / کالقمر البازغ فی النجوم. علم فقه وقتی نور می‌شود که با تهذیب نفس همراه باشد. اگر حجاب نفس همراه شد، دیگر نور نیست. نه اینکه کمبود در این علوم است، بلکه از نورانیتش بهره بردن مشروط به رفع حجاب است آن وقت می‌شود وارث پیامبران».

حضرت آیت‌الله نجابت در وصف مراتب عرفانی ایشان می‌فرمایند:

«من با شهید دستغیب از پانزده سالگی نهایت رفاقت داشتم. روز به روز سبب بری ایشان (درک پوشالی بودن اسباب و هرچه غیر خداوند است)، در او قوی‌تر می‌شد، یعنی غنی (درک اینکه به هیچ کس و هیچ چیز غیر از خداوند نیاز ندارد)، رفته بود در دلش. می‌فهمید آقاایش (خداوند متعال) عزیزترین آقاست. خلوصش به امام خمینی از تمام علمای شیراز بیشتر بود. ایمان به امام، نه اینکه نان و آبش داغ شود، بلکه تمام اصل علم ایشان را تابع قرار داده بود و گفت: «من اطاع‌الخمينی فقد اطاع‌الله». ایشان غنی طبع و غنی نفس و غنی دل بود. چند مرتبه فرمود دیگر از پول خوشش نمی‌آید: می‌گفت: تنها چیزی که دلم را خوش می‌کند، حرف خدا و خدمت به مومنین است. ایشان از عنفوان جوانی تبعیت از

او خطاب به یکی از نمایندگان مجلس از فارس فرمود: «پسر جان! باید باورت بیاید که حضرت امام نایب امام زمان (عج) است. تصور کن با امام زمان چگونه باید رفتار کرد، احترام به امام احترام به امام زمان (عج) است و خداوند متعال است. می‌خواهی عزت پیدا کنی؟ عزت در تبعیت از امام است.»

مفاخر عالم اسلام بودند. ... تکیه ایشان بر یقین به وحدانیت خداوند و تبعیت از حضرت خاتم انبیاء (ص) و تبعیت از ائمه طاهرين بود. غایه‌الامر ایشان یقین کرده بودند که این مطلب به این بزرگی و این مطلب پراهمیت که غرض از خلقت، شناسایی خداوند علی‌اعلی است، بدون تبعیت از شخص اول عالم امکان حضرت محمدبن عبدالله (ص) و دوازده معصوم پاک (ع) و بدون تبعیت از مجتهد عادل متعهد جامع‌الشرایط میسر نمی‌شود، لهذا از اول طفولیت ایشان به تمام معنی رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای سید ابوالحسن اصفهانی را به جان و دل پذیرفته بودند. به علاوه استادی و تقلید از حضرت مستطاب آیت‌الله‌العظمی آقای حاج میرزا علی آقا قاضی رضوان‌الله تعالی علیه را قبول نموده بودند و با ایشان کمال رفاقت و کمال وداد را داشتند».

و بالاخره پس از سال‌ها خوشه‌چینی از محضر بزرگان نجف اشرف که به‌راستی در آن روزها در مرتفع‌ترین مراتب از عرفان و علم و تقوی قرار داشتند، برای ادای تکلیف و هدایت و تهذیب پندگان خدا به شیراز برمی‌گردند.

آیت‌الله سید محمد مهدی دستغیب، اخوی مکرم شهید نقل می‌کنند: «حضرت آیت‌الله بهجت که در نجف اشرف همدرس شهید آیت‌الله دستغیب بوده‌اند، برای من نقل کردند: شب در عالم رویا دیدم آقای دستغیب هنگام ورود به شهر شیراز مورد استقبال جمعیت باشکوهی از مردم قرار که با پرچم‌ها در کنار دروازه قرآن جمع شده‌اند، قرار گرفته‌اند و علمای زیاد منتظر تشریف‌فرمایی ایشان هستند. فردا صبح خواب خود را برای مرحوم شیخ محمدکاظم که استاد هر دوی ما بودند، نقل کردم. ایشان به آقای دستغیب گفتند: هرچه زودتر به شیراز مراجعت کنید که مردم منتظر شما هستند».

شهید پس از ورود به شیراز در سال ۱۳۲۱ شمسی مسجد جامع عتیق را بازسازی کردند. ایشان همچنین پس از بازسازی مدرسه علمیه حکیم، بعد از گذشت مدت کوتاهی از پیروزی انقلاب اسلامی مدارس علمیه قوام، هاشمیه، آستانه و همچنین مدرسه‌ای دیگر را که بعدها به نام شهید دستغیب نامگذاری شد راه‌اندازی کردند. با شروع فعالیت‌های حوزوی تعداد طلاب را از ۲ نفر به ۲۵۰ نفر رسانیدند.

از فرزند ایشان نقل شده است که مدرسه علمیه حکیم

پدرم (مرحوم محمدتقی دستغیب) در قید حیات بود، مرتباً درس‌هایم را برایش می‌خواندم و مرور کردم و از او توضیح می‌خواستم و گاهی او را واقعا خسته می‌کردم. از شهید بزرگوار نقل شده است که گاهی برای درس گرفتن صبح بسیار زود به در خانه استادم می‌رفتم و برایشان صبحانه و نان و ... فراهم می‌کردم و خلاصه شاگردی‌ها می‌کردم تا به من درس بدهند. آری به قول سعدی (علیه‌الرحمه):

به خوردی بخور از بزرگان قفا

خدا در بزرگی بدادش صفا

این بود که بعدها به طلاب می‌گفت: «برای رسیدن به درجات عالی علمی دو چیز را فراموش نکنید: جد در تحصیل، سعی در تقوا» (۲)

دوره سطوح حوزه را نزد اساتیدی چون ملا احمد دارابی و میرزا علی‌اکبر ارسنجان در شیراز گذراندند. در سال ۱۳۱۴ به حوزه نجف وارد شدند و مرحله درس خارج (سطح عالی حوزه) را در محضر مرحوم شیخ محمد کاظم شیرازی، آقای ضیاء عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله خوئی به پایان رساندند، خصوصاً مرحوم آقای خوئی به ایشان عنایت خاصی داشتند و ایشان را در حد مرجعیت می‌دانستند. ایشان از افراد فوق و دیگر علما، هشت اجازه داشتند. مرحوم شیخ محمدکاظم شیرازی در اجازه اجتهاد ایشان نوشته بودند: «او از اخلاق ناشایستی پاک است و به هر اخلاق شایسته‌ای آراسته است». شهید مدت ۱۸ سال در نجف اشرف به تحصیل و تدریس اشتغال داشت.

آثار علمی:

شرح و حاشیه کفایه مرحوم آخوند خراسانی شرح و حاشیه مکاسب و رسائل مرحوم شیخ مرتضی انصاری

تقریرات دروس خارج مرحوم شیخ محمد کاظم حضرت آیت‌الله نجابت درباره مقام علمی شهید و علت رسیدن ایشان به مقامات معنوی می‌فرمایند: «حضرت آیت‌الله دستغیب قدس‌الله سره یکی از



عالم اسلام است، علاوه بر این موضوعات، شهید مقاماتی را که برای اولیاء متصور می‌شود، برای آقای خمینی قائل بودند. اساس مذهب جعفری به تبعیت از اولی الامر است مثل آقای خمینی».

به‌راستی که انسان از این همه تواضع در وجود این عالم بزرگوار شهید آیت‌الله دستغیب و مدح‌کننده ایشان حضرت آیت‌الله نجابت به شگفتی می‌افتد، نه از آن جهت که تجلیل آنها از امام را غلو بدانیم که در مقام امام هرچه گفته شود شایسته ایشان است، لکن از جهت آنکه این دو بزرگوار در برابر امام خمینی برای خود مقام و مرتبه‌ای قائل نبودند و این حاصل نمی‌شود مگر از مردان مرد این میدان که یک عمر با هوای نفس مبارزه کرده و سر تسلیم بر آستان معبود خویش سائیده‌اند.

تبعیت و تسلیم نسبت به علمای باتقوا

ایشان دائماً مواظب نفس خود بود که با مومنان سرکشی نکند تا چه رسد به علما، تا چه رسد به مراجع تقلید، عرض کردم از همان اول با حاج سید علیرضا و بعد با میرزا علی‌اکبر ارسنجان و بعد در نجف اشرف با آقا شیخ محمدکاظم شیرازی و بعد با حاج میرزا علی آقا قاضی رضوان‌الله علیه که هم اول عالم نجف اشرف بودند و هم اول خدانشناس و با اول علمای مسلمین رفاقت داشت و تبعیت می‌کرد. اینها که می‌گویم مربوط به ۵۰ سال قبل (از شهادت ایشان) است.

شهید دستغیب و امام خمینی:

کسانی که از نزدیک یا از طریق صدا و سیما و با عکس‌هایی را که از حضور ایشان در محضر امام خمینی (ره) گرفته شده، دیده‌اند، تواضع این شهید بزرگوار را در برابر امام که مانند عبدی مطیع در برابر ایشان می‌نشستند و دست‌ها را بر زانو می‌گذاشتند مشاهده کرده و به عمق رابطه وجودی ایشان با امام پی برده‌اند و همچنین دفاع جانانه ایشان از امام و راه و افکار امام را می‌دانند تا آنجا که می‌فرمود: «بی عشق خمینی نتوان عاشق مهدی (عج) شد.» و خطاب به یکی از نمایندگان مجلس از فارس فرمودند: «پسر جان! باید باورت بیاید که حضرت امام نایب امام زمان (عج) است. تصور کن با امام زمان چگونه باید رفتار کرد، احترام به امام احترام به امام زمان (عج) است و احترام به امام زمان (عج)»



امام خمینی به پاس خدمات خالصانه ایشان به اسلام و انقلاب اسلامی تجلیل شایسته‌ای چه در زمان حیات و چه بعد از شهادت از ایشان به عمل آوردند و توصیفی را که در مورد فرد دیگری از طرف امام خمینی به کار برده نشده بود، یعنی «معلم اخلاق و مذهب نفوس» برای ایشان به کار بردند.

تاثیر کلام شهید آیت‌الله دستغیب

استاد کریم محمود حقیقی فرموده‌اند:

«روزی جوانی به دنبال عمل شنیع و گناه بزرگی، برای رسیدن به مقصود از راهی می‌گذشت تا آنکه ناچار شد از صحن مسجد جامع که دو در دارد، عبور کند. در هنگام عبور ناگاه صوتی دلنشین و روحانی او را به خود جذب کرد و در پای آن سخنان نشست و به آن سخنان گوش جان سپرد و تحول و توبه و بازگشت به سوی خداوند متعال حاصل شد. روزهای بعد اگر دقت می‌کردید، آن جوان را در صفوف جماعت پشت سر شهید آیت‌الله دستغیب مشاهده می‌کردید.»

همچنین ایشان نقل می‌کنند که سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی شیخ محمد جواد انصاری مؤدبه شهادت را به این شهید بزرگوار داده بودند.

شهید آیت‌الله دستغیب مطیع امر مولا

این شهید بزرگوار با تمام وجود تسلیم اوامر خداوند متعال و حضرت ختمی مرتبت (ص) و ائمه طاهرین (ع)، خصوصاً حضرت ولی عصر (عج) بودند و به همین خاطر اگر رنگ و بوئی از معشوق و معبود خود در هر فردی می‌یافتند، نهایت تواضع را نسبت به وی ابراز می‌کردند. حضرت آیت‌الله نجابت شیرازی در این باره می‌فرمایند:

«یقین ایشان موجب این شد که بفهمند ریشه حقیقی اسلام تبعیت از حضرت ولی الامر است و الان خداوند ما را متنعم فرموده به حضرت آیت‌الله العظمی

امام خمینی. خالص

و به تمام معنی مبلغ

آقای خمینی بودند و

این تبلیغ را موجب

ترقی خودشان

می‌دانستند عندالله

نه عندالناس. گرایش

ایشان نسبت به

حضرت امام خمینی

زائد بر مردم عادی

بود و ایشان را ولی

کامل می‌دانستند.

علاوه بر اجتهاد و

مرجع تقلید بودن

امام، علاوه از اینکه

مرد متبّع درجه اول



نیکان شهر را سرلوحه زندگی خودشان قرار داده بودند آن روزها جناب حاج سید علیرضا بزرگ این شهر بود در تقوا و علم، لذا مصاحبت ایشان را دائماً وظیفه خود می‌دانست. آنچه از اهل علم متقی در شیراز بود، ایشان در خدمتش حاضر می‌شد؛ لهذا در یقین به خداوند در عصر خودش و در استان فارس منحصر بود و آثار این یقین بود که مردم با جان و دل ایشان را دوست می‌داشتند.

توکل بر خداوند

حضرت آیت‌الله نجابت درباره درجه توکل ایشان می‌فرمایند:

«اما جهت دیگری که در ایشان ممتاز بود و بیشتر در آن استوار شده و اهلیت پیدا کرده بود، توکل ایشان بر خداوند جلیل و متعال بود؛ یعنی روز به روز ایشان این معنی را کامل تر می‌فهمید که اسباب بالذات موثر نیستند. وسائل (اشخاص و اشیایی که خداوند رزق معنوی و مادی ما را به وسیله آنها می‌رساند)، محترمند، لکن بالذات موثر نیستند: لاجل و لا قوه الا بالله، لهذا ایشان کارهای خودش را چه دنیوی، چه اخروی به خداوند واگذار کرده بود؛ یعنی بنایش بر این بود که تمام وضع حیات مادی و معنوی را در اختیار خداوند بگذارد، لهذا فرمایشات ایشان تحقیقا در هر قلب پاکي جایگزین بود، بلکه بعضی از قلوب ناپاک را هم پاک می‌کرد. همه کس می‌فهمیدند ایشان اهل الله شده‌اند.»

حضرت آیت‌الله سید علی اصغر دستغیب درباره دوری ایشان از مقام می‌فرمایند:

«قابل توجه آنکه با وجود مراتب و مقامات علمی و معنوی همراه، از حضور در مجامعی که کمترین شبهه مطرح شدن وی را داشت اجتناب می‌ورزید و از کسب شهرت به شدت برحذر بود و تنها در زمانی که احساس وظیفه و مسئولیت می‌فرمود، بالاخص در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر از هیچ‌گونه تلاش دریغ نمی‌ورزید.»



گونه فقیهی می‌توانند تقلید کنند. در نهایت امام صادق (ع) می‌فرماید: «و ذالک لایکون الا بعض فقهاء الشیعه لاجمیعهم» و قطعاً اگر فقیه این گونه باشد، دیگر شائبه استبداد به رای و ظلم و انحراف در او نخواهد بود و به‌طور قطع همه این صفات شایسته در وجود شریف امام خمینی جمع بوده و اطاعت امثال ایشان در روایات ائمه اطهار (ع) بر ما واجب شده است. از جمله احمد بن اسحاق از امام هادی (ع) نقل می‌کند که فرمودند: «العمری ثقتی فسادى الیک عنى فعنى یودى... فاسمع له و اطع: عمری (یکی از اصحاب امام هادی (ع) و امام حسن عسگری (ع) مورد وثوق من است، پس هر چه به تو ارائه دهد از طرف من است، پس حرف او را بشنو و از او اطاعت کن».

البته لازم به تذکر است که مراد از «من اطاع الخمینی فقد اطاع الله» این نیست که هر سخنی که امام بگویند یا فتاوی که بدهند، حکم واقعی خداوند است بلکه مراد آن است که دسترسی مجتهد به احکام شرعی از طریق قرآن، سنت، عقل و اجماع است و دسترسی ما به احکام از طریق فتوای مجتهد است. حال فتوای مجتهد یا مطابق با حکم خداوند است که به واقع دسترسی پیدا کرده است و یا بر آن منطبق نمی‌باشد که باز مجتهد در فتوای خود معذور است، زیرا نهایت تلاش خود را برای به دست آوردن حکم شرعی به کار برده است و مقلدین هم به دنبال آن حجت شرعی دارند و به تکلیف خود عمل کرده‌اند. «المصیب اجران و للمخطی اجر واحد». برای مجتهدی که به واقع دسترسی پیدا کند، دو اجر و ثواب است و برای آنکه به واقع نرسیده، ولی تلاش خود را کرده است یک اجر و ثواب و در هر دو حال کسی که از مجتهد پیروی کند از خداوند اطاعت کرده است، زیرا خدا توسط معصومین (ع) به ما دستور داده است که از فقیه جامع‌الشرائط پیروی کنیم.

به هر حال مهم‌ترین سند دفاع جانانه شهید آیت‌الله دستغیب از امام خمینی و راه و هدف ایشان به‌گونه‌ای بود که جان شریف خود را بر کف دست گرفت و با شوق لقاء پروردگار خویش به استقبال شهادت رفت؛ کما اینکه در طول عمر پر برکت خود نیز از مهم‌ترین استوانه‌های انقلاب اسلامی در سطح استان، بلکه کشور بود و به تعبیر مقام رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از نخستین افرادی بود که پرچم مبارزه را بر دوش گرفت و در همه جا نام امام و دفاع از ایشان را شعار خود قرار داد. به همین خاطر بود که امام خمینی به پاس خدمات خالصانه ایشان به اسلام و انقلاب اسلامی تجلیل شایسته‌ای چه در زمان حیات و چه بعد از شهادت از ایشان به عمل آوردند و توصیفی را که در مورد فرد دیگری از طرف امام خمینی به کار برده نشده بود، یعنی «معلم اخلاق و مهذب نفوس» برای ایشان به کار بردند. ■

پاورقی:

۱. اصول کافی ج ۱ ص ۳۲
۲. مصاحبه آقای سید بهاء‌الدین دستغیب
۳. وسایل ج ۱۸ ص ۹۹

و دلیل بر این مطلب مقبوله عمر بن حنظله است که از امام صادق (ع) نقل می‌کند:

«... انظروا الی من کان منکن قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فارضوا به حکما، فانی قد جعلته علیکم حاکما، فاذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه قانما بحکم الله استخف و علینا رد و الراد علینا الراد علی الله و هو علی حدالشیرک بالله (۳) نظر کنید به آنکه از شما احادیث ما را نقل می‌کند و در حلال و حرام ما صاحب‌نظر است و احکام ما را می‌شناسد، پس به او به عنوان حکم (حاکم شرع) رضایت دهید که من او را برای شما حاکم قرار دادم. پس هنگامی که به حکم ما حکم کرد و از او پذیرفته نشد، به حکم خداوند استخفاف ورزیده شده و هر آنکه حکم او (فقیه) را رد کند، ما را رد کرده است و رد کننده بر ما رد بر خدا کرده

مهم‌ترین سند دفاع جانانه شهید آیت‌الله دستغیب از امام خمینی و راه و هدف ایشان به‌گونه‌ای بود که جان شریف خود را بر کف دست گرفت و با شوق لقاء پروردگار خویش به استقبال شهادت رفت؛ کما اینکه در طول عمر پر برکت خود نیز از مهم‌ترین استوانه‌های انقلاب اسلامی در سطح استان، بلکه کشور بود.

است و این در حد شرک به خداوند است». البته صرف فقهت کافی نیست، بلکه باید آن شرایطی که امام صادق (ع) برای فقیه شایسته آنکه از او تقلید شود شمرده‌اند، در شخص جمع شده باشد، یعنی اینکه نفس خود را بتواند حفظ کند و به گناه و معصیت دچار نشود و حافظ دینش باشد و به عصبیت و قوم و طایفه و جناح‌گرایی دچار نشود و مخالفت با هوای نفس خود کند و تکالب بر دنیا نداشته باشد و مطیع اوامر حضرت ولی عصر (عج) باشد. آنگاه است که «فللعوام ان یقلدوه» مردم از این

احترام به خداوند متعال است. می‌خواهی عزت پیدا کنی؟ عزت در تبعیت از امام است».

ایشان با اینکه سخنران متبحری بود و در برابر جمعیت‌های چند هزار نفری صحبت می‌کرد، وقتی خواست در حضور امام چند کلامی سخن بگوید، این گونه آغاز کرد: «در محضر امام مرا یارای سخن گفتن نیست، لذا بایستی مطالب لازم را خلاصه و فشرده عرض کنم». هنگامی که امام صحبت می‌کردند، صحبت‌های امام را یادداشت و در خطبه‌های جمعه و مجالس دیگر حول آن سخنرانی می‌کرد. در مجلس خبرگان اول از مدافعین سرسخت تثبیت موقعیت ولایت فقیه در قانون اساسی بود. در برابر بنی‌صدر بسیار محکم ایستاد و قاطعانه از امام خمینی (ره) دفاع کرد تا آنجا که در خطبه‌های نماز جمعه بر سر کسانی که در حقانیت امام خمینی تردید داشتند فریاد می‌کشید: «من اطاع الخمینی قد اطاع الله» یعنی «هر کس از خمینی اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است».

مبانی فقهی شعار شهید آیت‌الله دستغیب
بعضی بر این سخن ایشان خرد می‌گرفتند که فتاوی امام خمینی مگر حکم واقعی خداست که هر کس از آن اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده باشد؟ اما در پاسخ باید گفت که این کلام کاملاً منطبق بر آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت عصمت و طهارت و حکم عقل و اجماع است، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» و می‌دانیم که مراد از اولی الامر، بنا بر روایات صحیح، ائمه معصومین (ع) می‌باشند. حال وقتی که این بزرگواران ما را به پیروی از مجتهد جامع‌الشرائط امر کرده‌اند، اگر از مجتهد پیروی کنیم در واقع از دستور امام معصوم اطاعت کرده‌ایم و اگر از اوامر ائمه معصومین (ع) اطاعت کنیم، از خداوند متعال اطاعت کرده‌ایم. آن هم اطاعت از مجتهدی مثل امام خمینی که هوای نفس را به‌کلی از بین برده و صد در صد مطیع امر مولای خویش است. به فرموده حضرت آیت‌الله نجابت، از نظر شهید آیت‌الله دستغیب، امام ولی کامل خداست و رد بر ایشان رد بر امام زمان (عج) است.